

آخرین اخبار از مذاکرات وین، توپ در زمین آمریکاست

سه مانع رسیدن به توافق خوب در وین

صفحه ۲ را بخوانید

روزنامه خبری-تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران ۲۰۰۰ تومان
شهرستان ها و واحدهای دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۴۰۷۰
چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۰
۲۱ شول ۱۴۴۲
۲ زون ۲۰۲۱
شماره ۳۳۳۲

فرهنگستان

W W W Jun 2021 | vol.13 | No. 3332 | 16 Pages

متخصص
ساده‌انگاری

چرا طرح‌های اقتصادی محسن رضایی متناقض و تعمیق‌کننده چالش‌های معیشتی است

در گفت‌وگو با مستندسازان به این سوال پاسخ دادیم

چرا بعضی مستندهای انتخاباتی خنده‌دار می‌شوند؟

دکتر طهرانچی در جلسه شورای دانشگاه آزاد اسلامی خراسان رضوی:

دانشگاه آزاد به یک سیستم شفاف و سامانه‌سپار تبدیل می‌شود

چند نکته سینمایی-رسانه‌ای درباره مستند نامزدهای انتخابات

مستند انتخاباتی مهم است اما معجزه نمی‌کند

و تجربه‌نکرده‌ای وارد شوند و نظر دهند و اعمال کنند و نهایتا پاسخگو هم نباشند. همین روزها شاهدیم با همه غربالی که شورا انجام داده، درکنار ایده‌های تحولی و قابل اعتنا، بازهم برخی نامزدها، دولت‌اعانه‌ملی تشکیل داده‌اند و از پول‌پاشی به اقشار مختلف دم می‌زنند، انگار مملکت به قاسم و تقسیم‌کننده اموال نیاز داشته؟ درواقع به‌جای آنکه در این برهه فشار و تنگی، ایده خوبی برای اداره کشور (با محوریت رونق و جهش تولید و برداشتن موانع) ببینیم، برخی نامزدها با حربه دست‌درازی به خزانه پول‌پاشی، ایده محوری‌شان را شکل داده‌اند. حالا بسته به گرم‌شان یکی کمتر و یکی بیشتر وعده بخششی می‌دهد! به‌نظر شایسته‌ست شورا تا روز آخر تبلیغات و مناظرات نیز این وعده‌ها را رصد و پیگیری کند تا اگر کسی به‌واسطه اغوا و چکش بیشتر خوردن خزانه، رای جمع می‌کند، به‌اتذکر پنهانی دهد و درصورت اصرار بر مسیر اغوا، افکار عمومی را آگاه سازد. نهایت اینکه، باید هزینه قبول مسئولیت منطقی شود و ریسک معقولی داشته باشد که نه افراد صاحب صلاحیت از پذیرش آن احتراز کنند و نه افراد فاقد صلاحیت برای چنگ‌زدن به آن، با هر خدعه و فریبی، متجری شوند.

فرآیند انتخابات خاصه انتخابات ریاست جمهوری نیازمند بازنگری اساسی است و دیگر تردیدی در آن نیست. این انتخابات به‌واسطه آنکه در زمان رسمی محدودی شکل گرفته و برگزار می‌شود، به‌شدت هیجانی (در معنای منفی اش) است. زمان رسمی انتخابات کسه در آن: ثبت‌نام‌ها انجام می‌گیرد، فرآیند احراز صلاحیت انجام می‌شود و تبلیغات متنوع اما پرفشار سه‌هفته‌ای صورت می‌گیرد، جمعا در کمتر از ۴۰ روز تمام می‌شود! و آن‌وقت ۲ سال کل امور مملکت در گرو این ۴۰ روز، سازمان می‌یابد و بعضا تا سال‌های سسال هم اثر تصمیمات باقی می‌ماند.

به‌نظر لازم می‌آید با تدبیر درست این زمان به‌نفع به‌اندیشی و به‌گزینی مردم و تزریق روح مشارکت بازسازی شود. بدیهی است ایسن زمان با موضوعاتی دیگر گره خورده که باید برای طراحی و کارگزاری یا یارآوردن آن نیز فکرا اساسی داشت و نمی‌توان فقط به امید عنصر زمان، انتخابات را از تبعات سوءهیجانی شدن درآورد.

برای بند اول و نهم این یادداشت، متولیان امر از امروز باید به فکر باشند و البته بعد از برگزاری انتخابات هم از سایرین خاصه نخبگان و سیاست‌ورزان کمک و مشارکت فکری بگیرند. اما الان برای همه آنهایی که انقلاب بزرگ‌مان، معنایی والا‌تر و عظیم‌تر از عملکرد یک دسته و گروه و دولت و... دارد، مساله شماره یک، کمک به گرم شدن تنور انتخابات، ایجاد شور و شوق انتخاباتی و مشارکت موثر مردم است.

محور این شور انتخاباتی:

الف/ حضور و نقش آفرینی نخبگان همه جناح‌ها و تشویق مردم به مشارکت

ب/ ارائه ایده‌ها و برنامه‌های تحولی اداره کشور توسط نامزدها ج/ امیدآفرینی و تقویت اراده ملی درکنار برشمردن ضعف‌ها و نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌ها بدون سیاه‌نمایی مطلق د/ رعایت اخلاق و ادب انتخاباتی است. ان‌شاءالله اولویت‌ها را گم نکنیم.

کمی از قدرت مانور رئیس‌جمهور کم می‌کند ولی اولا همه قدرت رئیس‌جمهور در اعتبارات نیست، ثاتیا در همان بودجه هم در جزئیات امر، رئیس‌جمهور و سازمان برنامه‌یو بودجه‌اش حرف آخر را می‌زنند. لذا رعایت امانت و تقوا، شرطی اساسی است که به‌نظر می‌رسد کوچک‌ترین اهمال و کاهلی در آن عواقب سوءسنگینی برای مردم و آینده کشور دارد.

کسی که به‌راحتی دروغ می‌گوید، حق و باطل را عوض می‌کند، کم‌فروش است، مبالغه‌گو است، سیاهکاری می‌کند، غش در معامله دارد، تعدی و دست‌درازی دارد و در یک کلام نسبت به خود و بستگان و دوستان و همپالکی‌های فکری و حزبی اش آسان‌گیر است، نمی‌تواند امانت‌دار خوب و مطمئنی باشد و سپردن امر کشور و مردم به چنین فردی، عقلایی نیست و حتما در محضر الهی، مواخذه سنگینی در پی دارد. در بررسی‌های اخیر شورای نگهبان، به‌نظر می‌رسد به این موارد (=رعایت امانت و تقوا)، وزن شایسته‌تر و بالاتری داده‌اند.

در همه اظهارنظرها علیه شورای نگهبان، یک مساله باقی ماند و آن اینکه افرادی که به‌نوعی احراز صلاحیت‌نشده‌اند، بعضا در جایگاه مدعی و شورا در جایگاه متهم و حتی محکوم (!) قرار گرفت. این درحالی است که عملکرد عیان برخی از همین احراز صلاحیت‌نشده‌ها، سال‌هاست که پیش‌چشم‌مان است و پر از خرابکاری امور و ضایع کردن بیت‌المال و از بین بردن فرصت‌ها است. بدانیم مسامحه و سهل‌انگاری کارگزاران در «خدها بقوه» مسئولیت‌شان که در راس آن باید، حسن مدیریت و تدبیر احسن وجود داشته باشد، مساله‌ای جدی و غیرقابل اغماض است. چه بسیار مدیرانی که ترک فعل‌های بی‌حساب یا فعل‌های سوء-تاثیرگذار دارند که مملکت را در برخی مواضع و مقاطع دچار مشکلات جدی کرده و بعضا ریشه بسیاری از مسائل بعدی شده‌اند. درحقیقت برخی مسئولان فکر می‌کنند چون مسئول شدند لذا هر تدبیر و فعلی که انجام می‌دهند چه منجر به نتیجه خیر شود و چه سوءعاقبت داشته باشد، جز ریسک شغلی‌شان محسوب شده و ماجور هستند. درحالی که باید دانست مسئولی که سیاست کارشناسی نشده تاثیرگذاری را طراحی می‌کند(مثل ارز ۴۲۰۰ تومانی)، باید نسبت به آن پاسخگو باشد و اگر نتواند علل و عوامل و تبعات و عواقب آن را توجیه کند، حتما درمورد خسارت‌های وارده باید مواخذه شود و وانیست به‌چنین مسئولی که تدبیرهای قبلی اش پر از چالش و تهدیدزایی است، جایزه دهیم و او را برای نامزدی احراز صلاحیت کنیم. آنچه معلوم است اینکه در دور اخیر بررسی‌های شورا، به مدیر و مدبربودن نامزدها و سابقه تصمیمات‌شان و اثر آن تصمیمات، نمره بالایی داده‌اند. متاسفانه نوعی فرهنگ مصونیت در مسئولیت به‌صورت نانوشته در کشور به‌وجود آمده که به‌شدت بدآموزی دارد و افراد را متجری می‌کند که به‌راحتی برای یک مسئولیت، نامزد شوند. درواقع هزینه قبول مسئولیت این‌قدر پایین آمده که افراد به خود جرات می‌دهند در هر امر ناخونده (یا کم‌ترخوانده‌ای)

ساختاری نهاد در نظام حکمرانی ما این قدر بالاست و صیانت از این قدر واجب است که نایب با یک تصمیم که به‌زعم برخی از ما اشتباه است، پشت آن را خالی کنیم و به آن هجمه آوریم که از اعتبار افتادن شورا خسارت بسیار سنگین و غیرقابل جبران است. بدیهی است حفظ این اعتبار منوط به چند رکن است: الف/ انتخاب فقهایی عادل زمان شناس توسط رهبری ب/ انتخاب حقوق‌دانان عادل بی‌طرف توسط رئیس قوه‌قضائیه و تایید مجلس ج/ شخص اعضای شورا از منظر گفتار و عملکرد د/ نخبگان و سیاست‌پون ازجهت صیانت نهادهی و ارتقای کارکردی جایگاه

گفته شد یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های استحکام شورا، خود اعضای شورا هستند. درحقیقت اولین نگهبانان شورا، اعضای شورا هستند. از این جهت هم باید بتوانند از جهت ارتباط با افکار عمومی، شیوه موثر و کارسازی را طراحی و به‌کار گیرند تا تبیین دقیقی از چپستی وظایف، چگونگی فعالیت‌ها و تعریف فرآیندها و رویه‌ها و اعلام مصوبات و خروجی‌ها نزد نخبگان و افکار عمومی حاصل شود. دوم و واجب‌تر اینکه هر گفتار و کردار و نوشتاری که می‌تواند به اشتباه اذهان را به‌سمت بازیگری شورا در عرصه سیاست‌ورزی میل دهد به‌شدت پرهیز شود. جمع این دو امر این می‌شود که باید به قاعده و در چارچوبی نظام‌مند درمورد شورا و از شورا سخن گفت و نوشت. به‌عنوان نمونه: اینکه هر عضو شورا مصاحبه‌ای کند و حرفی بزند و بیانیه‌ای بدهد، احتمال اینکه خطایی در ذهن‌ها شکل بگیرد، به‌شدت بالا می‌رود. لذا شایسته است ارکان رسمی شورا که منحصر در دبیر و سخنگویی است، فرصت نمایندگی ارائه دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و مصوبات را در چارچوب گفته‌شده داشته باشند و بقیه ملزم به رعایت باشند.

برخی صفات درخصوص نامزدهای ریاست‌جمهوری در قانون وجود دارد که در این سال‌ها به‌حق، مورد معاینه و توجه قرار نگرفته است. ازجمله و در صدر آنها، رعایت امانت و تقوا است. متاسفانه عملکردها و ولنکار و مسامحه‌های غیرقابل قبول (از منظر شرع و قانون و عرف) در سالیان اخیر خاصه از زمان دولت سازندگی، سبب شده است کارگزاران اجرایی مملکت در این مقوله‌ها دائما سهل‌انگارتر و بی‌تفاوت‌تر شده و بعضا این بی‌توجهی‌ها را توجیه و در محدوده اختیار خود قلمداد کنند؛ اما باید دانست غفلت از امری به‌ظاهر کوچک تا سوءاستفاده‌های بزرگ، روزنی است برای اینکه تقوا و امانت را مخدوش کند. درمورد ریاست‌جمهوری احراز این دو شرط مهم، اهمیتی صدچندان پیدا می‌کند. پرواضح است رئیس‌جمهور با تنفیذ رهبری، با حیطة اختیار بالا همه قدرت اجرایی نظام را تصاحب کرده و به‌راحتی می‌تواند درخصوص صدها سیاست، هزاران تصمیم، صدها انتصاب و هزاران میلیارد اعتبار، نظر نهایی دهد. البته اینکه مثلا تایید لایحه بودجه منوط به تصویب مجلس است

اجتماعی و مدنی به کمک سیاست‌پون ریشه‌دار و با استفاده از فکرسازی جوانان در موسسات پژوهشی و اندیشکده‌های نخبگانی باید بتوانند برای رویش نخله‌ها و فکراهی سیاسی، طرحی نو دراندازند. قطعاً این طراحی‌ها نیازمند فکری میان‌مدت و بلندمدت و با همراهی و مشارکت مراجع فکری، رهبران اندیشه و متخصصان خاصه در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و مردان میدان سیاست‌ورزی و حزب‌گرایی است. در دوره‌های مختلف، متولیان وزارت کشور در این زمینه، نقشی کم‌اثر و تقریبی بی‌نتیجه را ایفا کرده‌اند که لازم است به‌عنوان اولویتی برزمین مانده و مهجور، جبران و ترمیم شود.

اصالت شورای نگهبان همان‌طور که برای پاسداری از قانون اساسی و حفظ حدود شرع مقدس است، از زاویه دیگری برای صیانت از جمهوریت نظام و حفظ حقوق اساسی و عامه است. به این معنا که با ملاحظه و احراز شرایطی که برای رئیس‌جمهور در قانون اساسی آمده، به نمایندگی از مردم آن را احراز کند. درواقع شورا باید با استفاده از همه ابزارهای خود شایستگی‌های آستانه و صلاحیت‌های مندرج در قانون اساسی را برای تک‌تک نامزدها احراز کرده و نمی‌تواند در آن مسامحه کند. احتمالاً در این مسیر خطای بنا هم وجود دارد؛ خطایی که در آن ممکن است یک نفر شایسته باشد ولی احراز نشود. ولی اگر احیاناً افرادی حائز این شرایط نبوده و از فیلتر شورا رد شده و احراز شده (خطای آلفا) و وارد عرصه انتخابات شوند و با لطایف الحیل تبلیغات روانی و تهاجمی بنا هم دهند، آنگاه کسی می‌توان شورا را به ناکارآمدی در اجرای ماموریت ذاتی خود متهم کرد.

در این سال‌ها شاهد بودیم که برخی ارقام‌ها و تجدیدنظرها در شایستگی‌های آستانه و کسب نمرات ناپلثونی، چه خسارت‌های غیرقابل جبرانی را به کشور تحمیل کرده است. لذا شورا به نمایندگی از مردم، باید مطابقت افراد با شرایط احراز در قانون اساسی را به‌صورت دقیق و نظام‌مند ارزیابی کند. بدیهی است برای احتراز از گرفتار شدن در خطای آلفا، تحمل سهم معقولی از خطای بتا ناگزیر است با اینکه شورا باید این سهم را به حداقل ممکن برساند.

نمی‌شود درمورد اندیشه امام، تومن بعضض و تکفر بعضض باشسیم. امام نهاد شورای نگهبان را حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی و آن را مورد تایید دانسته و با قدرت، پشت آن ایستاده‌اند. درواقع، امام هم می‌دانستند که شورا امکان خطا یا اشتباه دارد ولی این خطا را درمقابل موضع و ارزش جایگاه نهاد شورای نگهبان، قابل اغماض می‌دانستند. البته این بدان معنا نیست که شورا نسبت به کم کردن و از بین بردن اشتباهات خود مسامحه کند بلکه به این معناست که ما با علم به دیانت و تقوا و زمان شناسی فقه‌ها و حقوق‌دانان شورا، می‌دانیم اشکالات آنها سهوی یا مربوط به کمبود داده‌های غیرقابل تامین و حصول) برای تصمیم‌گیری است. لذا اینکه امام یک نهاد را این گونه تایید می‌کنند یعنی ارزش



دکتر مصباح‌الهدی باقری

پژوهشگر هسته بازاربازی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

آنچه این روزها شاهد بودیم، خبرهای مربوط به احراز صلاحیت ۷نفر برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم و عدم احراز صلاحیت مابقی ثبت‌نام‌کننده‌ها بود. برخی نسبت به این خروجی، ناراضی و دیگرانسی هم راضی بودند. برخی شورای نگهبان را متهم به بی‌تدبیری و هم آن را تکلیف‌شناسی شورا قلمداد کرده‌اند. برخی رقابت را منتفی و برخی رقابتی کردن را ماموریت شورا نمی‌دانستند. همه این نگاه‌ها و طیف متنوع قضاوت نشان دهنده اشکالاتی در فرآیند احراز یا ادراک آن هست که باید مورد بررسی قرار گیرد و لازم است در موقع خود، کارشناسان و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی حوزه‌های حکمرانی و سیاستگذاری، حقوق عمومی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و ارتباطات دور هم بنشینند و آن را واکاوی کنند. مدت‌هاست که نسبت به عملیاتی کردن سیاست‌های کلی انتخابات (که سال‌هاست علی‌رغم ورود برخی مجالس همچنان عقیم مانده است)، فرآیند انتخابات و آسیب‌شناسی ۴۰ ساله آن و تجارب قابل استفاده دیگر کشورها اهتمامی شایسته و کارساز صورت نپذیرفته و این یک نیاز قطعی است اما مطابق قاعده الاهم فالاهم، امر مهم‌تر، فوری‌تر و نزدیک‌تر بحث مشارکت بیشتر در انتخابات است. مشارکت مساله اول انقلاب است و هیچ دوستدار و دلسوز انقلابی، مساله اولی را بر مساله ثانوی - که در اینجا فرایع قلمداد می‌شود-مقدم نمی‌دارد. لذا هواخواهان انقلاب اسلامی این هر دو را در موقع خود مورد بررسی قرار می‌دهند و به ارائه راهکار می‌پردازند و مسلماً آنکه و قتش مضیق و رو به قضا شدن است، جایز نیست تاخیر بیفتد.

اینکه همه بپذیریم برای احراز صلاحیت‌ها باید فیلترهایی تعبیه شده تا انتخابات معنادر شود امری است که اکثریت نخبگان روی آن اتفاق نظر دارند. به‌نظر می‌رسد هم احزاب و مجامع سیاسی از یک‌طرف و هم نهادهای حاکمیتی از طرف دیگر، مهم‌ترین دورکن به‌دست آمدن خروجی درست و کارآمد این غربالگری (=فیلتراسیون) هستند. اما در نبود احزاب سیاسی کارآمد و کم‌کاری و فرتوت شدن گروه‌های ریشه‌دار، سنگینی این وظیفه روی دوش شورای نگهبان است. درواقع، بخش اساسی این موضوع در کشور بدون متولی است و فرهنگ تحزب نیز کاملاً زینتی و ویتربینی رشد و نمو کرده است. درنتیجه و لاجرم، شسورا باید جور نبود و خلل احزاب را متحمل شود. به‌واقع همه وظیفه فیلتراسیون که در جوامع مدنی روی دوش نهادهای مختلف است، یکجا روی گرده شورای نگهبان سنگینی می‌کند. لذا بیشتر از اینکه افرادی از شورا گلایه و شکایت داشته باشند، باید از سازمان‌ها و نهادها و مجامعی که متولی بسترسازی و نقش آفرینی جریان تحزب و یا گیر و جاگیر شدن احزاب و گروه‌های سیاسی هستند، گلایه و انتظار داشته باشند که نتوانسته‌اند ساختار حزبی مناسبی را درون نظام حکمرانی تعبیه کنند. این مورد از وظایف شورا خارج است و وزارت کشور و نهادهای